

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۱۳۸۲ / ۴ / ۲۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقایسهٔ انسان فرهمند در شاهنامه

با

ولی در مثنوی

پایان نامهٔ کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی

استاد راهنما

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور

دکتر بابک عالیخانی

دانشجو

معصومه امین دهقان

بهمن ماه ۱۳۸۱

۴۸۷۱۳

تقدیم به پدر و مادر عزیزم به پاس مهر و عطوفتشان

چکیده

رساله حاضر نگاهی است عرفانی به فرّ و انسان فرهمند در *شاهنامه* و مقایسه و تطبیق آن با ولایت معنوی و ولیّ در *مثنوی معنوی*. در *شاهنامه*، انتقال فرّ از شاهی به شاه دیگر، سلسله‌ای از انسان‌های فرهمند را پدید می‌آورد که به واسطه همان فرّ، وظیفه سرپرستی خلق و تصرف در امور آنها و برقراری نور در سراسر گیتی را دارند. یکی از انسان‌های فرهمند این سلسله، کیخسرو است که هم در *شاهنامه* و هم در *اوستا* و متون پهلوی، دارنده ممتاز فرّ است که ضمن آباد کردن سرزمین ایران که پیش از ورود او رو به ویرانی نهاده بود، وظیفه سنگین دیگری بر دوش دارد و آن از بین بردن افراسیاب تورانی به منزله عنصر شرّ است که سرانجام با نابود کردن او، نور را در سراسر عالم می‌گستراند.

فرّ و وجود سلسله‌ای از انسان‌های فرهمند، قابل مقایسه و تطبیق یا ولایت معنوی و سلسله انسان‌های کامل (ولیّ) در عرفان است که در *مثنوی* به‌عنوان یکی از آثار بزرگ عرفانی ما، بیشتر از هر اثر دیگر به آن پرداخته شده است و این رساله در ۵ بخش به این مقایسه می‌پردازد. در بخش اول و دوم این رساله، نگارنده پس از بیان مقدماتی درباره زندگی فردوسی و مذهب او و همچنین بررسی فرّ و انواع آن با توجه *اوستا* به عنوان بخشی از منابع *شاهنامه*، به معرفی کیخسرو، یکی از انسان‌های فرهمند *شاهنامه* می‌پردازد. در این بخش از *اوستا* و متون پهلوی برای مستند ساختن برخی از وقایع زندگی او استفاده شده. در بخش سوم و چهارم نیز پس از بیان مقدماتی درباره مفهوم ولایت و ولیّ در فرهنگ تشیع و تصوف، به معرفی ویژگی‌های ولیّ در *مثنوی* می‌پردازد و سرانجام این رساله در بخش پنجم، با مقایسه و تطبیق فرّ و ولایت، و انسان فرهمند و ولیّ به این نتیجه خاتمه می‌یابد که انسان کامل خواه با عنوان فرهمند، خواه با عنوان ولیّ، حقیقتی است که از آغاز خلقت بوده، هست و خواهد بود. او حقیقتی است که در هر زمان با اسمی متفاوت از قبل ظهور می‌کند. او از جانب خدا مأمور هدایت بشریت است. ما باید او را بیابیم تا به نورش هدایت شویم.

مقدمه ۷

بخش اول

فصل اول - فردوسی و مذهب او ۱۱

خلافت الهی از نظر فردوسی ۱۶

فصل دوم - فرّ ۱۸

ریشه کلمه فرّ و مفهوم آن ۱۸

فرّ و انواع آن در اوستا ۱۸

الف) فرّ ایرانی ۲۰

ب) فرّ کیانی ۲۰

ارتباط فرّ ایرانی و فرّ کیانی ۲۲

اصطلاح فرهمند ۲۲

فرّ در شاهنامه ۲۳

الف) شاهان ۲۳

ب) دیگران ۲۸

تجسّم و نمود فرّ ۲۸

بخش دوم

فصل اول - از بدو تولّد تا بر تخت نشستن کیخسرو ۳۱

تولّد نور ۳۱

کیخسرو، اولین عاقل مجنون ۳۲

ولایت تکوینی کیخسرو ۳۵

سروش، پیک ایزدی و حامل وحی ۳۷

جستجوی هفت ساله گیو برای یافتن مراد ۳۸

یافتن کیخسرو در کنار چشمه ۳۹

۳۹ رمز چشمه و جام می
۴۲ ادب عرفانی گیو
۴۴ رمز زره
۴۴ بیابان، عرصه بی‌انتهای سلوک
۴۵ حرکت به سوی ایران
۴۷ قدرت تصرف کیخسرو در آب و باد
۵۰ دیدار پهلوانان با کیخسرو در ایران
۵۲ گشودن دژ بهمن و اثبات شایستگی کیخسرو

فصل دوم - دوران پادشاهی کیخسرو وقایع و جنگ‌های

۵۵ این دوره
۵۵ کیخسرو از نظر فردوسی
۵۶ بر تخت نشستن کیخسرو
۵۷ سوگند کیخسرو برای از بین بردن افراسیاب
۵۹ پیام نمادین کیخسرو به افراسیاب
۵۹ آموزه عارفانه کیخسرو به فرامرز
۶۰ سلوک پهلوان - سالکان
۶۱ الف) گودرز
۶۱ ب) رستم
۶۳ پ) گیو
۶۴ ت) طوس
۶۵ فرمان کیخسرو، فرمان خداست
۶۵ دم مسیحایی کیخسرو
۶۷ پیران و نافرمانی در برابر خرد کل
۶۷ برقراری نور در سراسر گیتی باقوه سرمستی کیخسرو

فصل سوم - عروج نور ۷۰

شنیدن آوازی از ملکوت ۷۰

انتخاب جانشین ۷۸

اعتراض زال زر بر این انتخاب ۷۸

حرکت به سوی چشمه نور ۸۰

بخش سوم

فصل اول - مفهوم ولایت در فرهنگ تشیع و تصوف ۸۳

معنای لغوی واژه ولایت ۸۳

تفاوت قبول ولایت و قبول رسالت ۸۵

ولایت، غایت خلقت آدم و عالم ۸۶

فصل دوم - انسان کامل (ولی) ۹۰

انسان کامل از دیدگاه عرفا و محققان ۹۰

سابقه مفهوم انسان کامل ۹۴

سابقه به کارگیری اصطلاح انسان کامل ۹۶

بخش چهارم

فصل اول - مولوی و مذهب او ۹۷

فصل دوم- سیمای ولی در مثنوی ۱۰۱

معنای لغوی واژه ولی ۱۰۱

شریعت، طریقت، حقیقت ۱۰۱

لزوم یافتن پیر و پیوند ولوی با او ۱۰۳

عنایت و جذبۀ الهی ۱۰۶

موت ارادی، شرط برخورداری از عنایت حق ۱۰۸

ویژگی‌های ولی ۱۱۱

الف) ولایت تکوینی ۱۱۱

- ب) ولی، نایب و خلیفه حق ۱۱۲
- پ) روح وحی گیر ولی ۱۱۳
- ت) ولی، صاحب علم لدنی ۱۱۴
- ث) ولی، واسطه فیض حق و خلق ۱۱۵
- ج) اولیا، اطفال حق و اصحاب کهف ۱۱۶
- چ) ولی، کشتی نوح و اسرافیل زمان ۱۱۷
- ح) مرد خدا، عین راه است ۱۱۸
- خ) ولی، نور حق است ۱۲۱
- د) ولی، سلیمان زمان است ۱۲۲
- ذ) ولی، عقل کل است ۱۲۴
- ر) ولی، بیرعقل است نه پیر سال ۱۲۷
- ز) همنشینی با اولیا، همنشینی با خداست ۱۲۷
- ژ) ولی، آینه شش رو و پدر و مادر خلق است .. ۱۲۸
- س) ولی، خورشید نهان در ذره ۱۲۹
- ش) اولیا، باران رحمت هستند ۱۲۹
- ص) دعای ولی به اجابت مقرون است ۱۳۰
- ض) اولیای خدا از مرگ نمی هراسند ۱۳۱
- ط) چشم ولی امان دو کون است ۱۳۱
- ظ) ولی، طیب روح است ۱۳۱
- مقایسه کامل با ناقص ۱۳۳

بخش پنجم

- فصل اول - بررسی تطبیقی فرّ و ولایت ۱۳۷
- فرّ و سلطان ۱۳۷
- فرّ و تایید الهی ۱۳۸

۱۳۸	فرّ و سکینه
۱۴۱	فرّ و ولایت
۱۴۲	ویژگی‌های فرّ
۱۴۳	ویژگی‌های ولایت
فصل دوم - مقایسه انسان فرهمند در شاهنامه با ولیّ		
۱۴۶	درشنوی
۱۴۸	لزوم یافتن مراد در حماسه و عرفان
۱۵۰	مقایسهٔ ویژگی‌های انسان فرهمند با ولیّ
۱۶۲	حاصل کلام
۱۶۳	کتابنامه
۱۶۴	اعلام

هو

مقدمه

به شهری که هست اندرو مهر شاه
نیابد نیاز اندران بوم راه
بدی برتو از فرّ او بگذرد
که بختش همی نیکوی پرورد
جهان را دل از شاه خندان بود
که برچهر او فرّ یزدان بود
چو از نعمتش بهره‌یابی بکوش
که داری همیشه بفرمانش گوش
به اندیشه گر سربپیچی ازوی
نبیند بنیکی ترا بخت روی

داستان‌هایی کهن، کوتاه و بلند، پر فراز و نشیب که از آداب، اخلاق، سیاست و فرهنگ و به طور کلی مدنیت قوم بزرگ ایران حکایت می‌کردند، زبان به زبان و سینه به سینه در گذر ایام، به دهقانی از دیار طوس رسید و او با نبوغ، ذوق، ابتکار و خلاقیت و همچنین امانت‌داری / روح حیات را در کالبد آنها دمید و آنها را در مجموعه‌ای تحت عنوان شاهنامه، به منزله سند هویت ملی ما، برایمان به میراث گذاشت. اینک شاهنامه، آینه‌ای است تمام‌نما که آن مدنیت را به ما می‌نمایاند.

جامعیت و زیبایی سرشار این اثر عظیم، سبب گردید تا محققان داخلی و خارجی این چنین شیفته آن شوند و از دیدگاه‌های مختلف به آن بنگرند و در شرح و معرفی آن قلم‌فرسایی نمایند. اما به راستی آیا همه آنچه در باب شاهنامه باید گفته شود، گفته شده و آیا به تعبیر خود فردوسی، بر باغ معانی شاهنامه به تمامی رفته شده؟

بی‌تردید، حقایق و معانی‌ای در این اثر گرانقدر وجود دارد که هنوز جمال دلارای خود را آن‌چنان که باید، به ما نگشوده‌اند. «فرّ» یکی از این حقایق است که اگرچه برای پژوهشگران، نامی دیر آشناست، اما چندان مورد تأمل و تعمق آنها قرار نگرفته. می‌دانیم که در شاهنامه، انتقال فرّ از شاهی به شاه دیگر، موجب پدید آمدن سلسله‌ای از انسان‌های فرهمند گردیده که وظیفه سرپرستی خلائق و برقراری نور و روشنی در سراسر گیتی را دارند. در نگاهی عرفانی، فرّ و سلسله انسان‌های فرهمند بی‌شبهت به یکی از اصول اولیه مکتب تشیع و تصوف یعنی اعتقاد به ولایت و وجود ولی در هر عصر نیست و از آنجایی که تطبیق و مقایسه، برای روشن‌تر شدن حقیقت یک مطلب یا یک امر، راهگشاست، نگارنده، مقایسه و تطبیق انسان فرهمند شاهنامه با ولی در مثنوی را مبنای پژوهش خود قرار داد.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه شاهنامه اثر حماسی است، اما بسیاری از داستان‌های آن درونمایه‌ای کاملاً عرفانی دارند. از این‌رو، شعرای عارفی همچون سنایی، مولوی و حافظ هر چند مختصر، در یک یا چند بیت، ابیات آن را تفسیری عرفانی کرده‌اند. عارفان نویسنده نیز با ذوق سرشار خود به تأویلات عرفانی برخی از این داستان‌ها پرداخته‌اند که به بعضی از آنها در این رساله اشاره شده است. در باب ولایت و ولی در مثنوی نیز تحقیقات مفصلی اعم از کتاب و مقاله صورت گرفته که معروف حضور همه پژوهشگران می باشد و نگارنده نیز از آنها بسیار بهره جسته. اما این رساله از دو جهت با آثار پیش متفاوت است. اول اینکه، چنانچه گفته شد، این رساله نگاهی عرفانی به فرّ و انسان فرهمند است که صرف نظر از نظریات شیخ اشراق، در این باب کار دیگری صورت نگرفته. ثانیاً تطبیق بین حماسه و عرفان از این دیدگاه در میان پژوهش‌های پیش به چشم نمی‌خورد.

روش کار

رساله حاضر بر ۵ بخش استوار است. نگارنده، بخش اول این رساله را با مقدمه‌ای درباره زندگی و مذهب فردوسی و نظر او نسبت به انسان فتح باب می‌کند و سپس به بررسی یکی از مسائل اساسی شاهنامه یعنی فرّ و انواع آن با توجه به اوستا به عنوان بخشی از منابع شاهنامه می‌پردازد. در این بخش نیز به مقایسه شاهنامه و اوستا درباره فرّ و بیان وجوه اشتراک و افتراق آنها پرداخته می‌شود. در بخش دوم که نسبت به سایر بخش‌ها حجیم‌تر است، انسان فرهمند شاهنامه با شرح دوران زندگی و پادشاهی‌اش معرفی می‌شود. ذکر این مطلب ضروری است که نگارنده از میان سلسله انسان‌های فرهمند شاهنامه کیخسرو را که هم بنابر اوستا و متون پهلوی، و هم طبق شاهنامه دارنده ممتاز فرّ است و ویژگی‌های فرهمندان در او برجستگی بیشتری دارد، و از طرفی داستان‌های زندگی او قابلیت بیشتری دارند تا از دیدگاه عرفانی به آنها پرداخته شود، برگزید و برای اینکه خطوط اصلی زندگی او را در نظر خوانندگان بهتر ترسیم نماید، دوران زندگی‌اش را به سه دوره تقسیم نمود.

از آنجایی که در اوستا و متون پهلوی به عنوان بخشی از منابع شاهنامه، ذکر کیخسرو بسیار رفته، سعی نگارنده بر این بود که بعضی از حوادث زندگی او را به این متون مستند سازد و همچنین بنابر ذوق، برخی ابیات

این بخش را تفسیری عرفانی کند. این بخش، از نظریات شیخ اشراق به‌عنوان یکی از احیاء‌کنندگان حکمت خسروانی نیز بهره‌جسته است. در ضمن نسخه‌مورد استفاده در این بخش *شاهنامه* از روی چاپ مسکوست که دکتر سعید حمیدیان آن را تصحیح نموده‌اند.

بخش سوم به بیان مقدماتی درباره‌ی ولایت و ولیّ در مکتب تشیع و تصوف باتوجه به آیات قرآن و احادیث و نظریات عرفا می‌پردازد. نگارنده در بخش چهارم پس از بحثی کوتاه در باب زندگی و مذهب مولوی، به معرفی ویژگی‌های ولی در مثنوی می‌پردازد. لازم به ذکر است که از آنجایی که در باب ولایت و ولیّ در مثنوی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، نگارنده بهتر دید تنها به معرفی ویژگی‌های ولیّ و ارائه‌ی نظر صاحب‌نظران در این باره بسنده کند و در عوض اهتمام بیشتری در بخش مربوط به *شاهنامه* که کار کمتری از این دیدگاه در آن شده، بورزد. نسخه‌مورد استفاده در این بخش، مثنوی معنوی به تصحیح رینولد تیکلسن است.

پس از تمهید این مقدمات، ما به بخش پنجم می‌رسیم که بخش نهایی است و در آن طی دو فصل، تطبیقی بین انسان فرهمند و ولیّ صورت گرفته. شاید در روش کار این رساله، ناهماهنگی‌ای به‌نظر برسد. در بخش مربوط به *شاهنامه*، فرد مشخصی به‌عنوان انسان فرهمند معرفی و ویژگی‌های او بررسی می‌شود، درحالی که در مثنوی، فرد خاصی به‌عنوان ولی معرفی نمی‌شود و تنها ویژگی‌های او بررسی می‌شود. حقیقت آن است که آنچه از نظر نگارنده اهمیت دارد و درواقع اساس این پژوهش است، ویژگی‌های انسان فرهمند و ولیّ است که در پایان مقایسه می‌شود و خود شخص در این رساله چندان اهمیتی ندارد. بدیهی است که در *شاهنامه* بررسی این ویژگی‌ها بدون بررسی زندگی کیخسرو میسر نیست اما در مثنوی، این امر بی‌آنکه شخص خاصی معرفی شود، ممکن است.

آنچه انگیزه‌ی نگارنده را برای انجام این پژوهش نیرو می‌بخشید و سختی‌های کار را بر او آسان می‌ساخت، رسیدن به نتیجه‌ی نهایی این پژوهش بود و آن اینکه در نگاهی عرفانی، حماسه تلویحاً و عرفان به تصریح ما را به یک اصل مهم فرامی‌خوانند که انسان کامل خواه با عنوان فرهمند و خواه با عنوان ولیّ، حقیقتی است که همیشه بوده، هست و خواهد بود. این حقیقت در هر عصر، تحت یک اسم ظهور می‌کند. تعیینش الهی است و مأمور تربیت و هدایت همه‌ی خلق است. حماسه و عرفان ما را به یافتن او فرا می‌خوانند تا به نورش هدایت شویم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از راهنمایی‌ها و گوشزدهای بجای استاد محترم راهنما، جناب دکتر رادفر، استاد محترم مشاور، جناب دکتر عالیخانی و کلیه عزیزانی که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند، سپاسگزاری کنم.

این همه گفتیم لیک اندر بسیج بی‌عنایات خدا هیچم هیچ
بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد سیاهستش ورق
ای خدا، ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا
این قدر ارشاد تو بخشیده تا بدین بس عیب ما پوشیده
قطره دانش که یخشیدی ز بیش متصل گردان به دریاهاى خویش
قطره علمست اندر جان من وارهانش از هوا و زخاک تن

معصومه امین دهقان

بخش اول

فصل اول

فردوسی و مذهب او

استاد ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ حماسه‌سرای ایران است که بیشتر عمر گرانمایه خود را صرف به نظم درآوردن بزرگ‌ترین حماسه ایران یعنی شاهنامه نمود. نامش، منصورین حسن و کنیه و لقب شاعری‌اش ابوالقاسم فردوسی است. در روستای باژ از ناحیه طابریان طوس متولد شد. سال تولد او معلوم نیست. اما قریب به یقین در سال ۳۲۹ یا ۳۳۰ هـ بوده است. فردوسی از دهقانان طوس بود که صاحب مکتب و به جمع‌آوری میراث ادبی و تاریخی خود علاقه‌مند بودند. فردوسی نیز که به تاریخ نیاکان خود علاقه‌مند بود، تصمیم گرفت داستان‌های زندگی آنها را جمع‌آوری کند و به نظم درآورد. او تمام اموال خود را بر سر این کار نهاد و در اواخر عمر تهیدست و بی‌چیز شد.

ظاهراً فردوسی در اوان قتل دقیقی به نظم داستان‌هایی از جمله داستان بیژن و منیژه مشغول بود که در همین حین، نسخه‌ای از گشتاسپنامه دقیقی به دست او می‌رسد. فردوسی که طبع خود را در سرودن داستان‌های ملی آزموده بود، به فکر افتاد تا کار شاعر جوان را به پایان ببرد اما مأخذ دقیقی در دست نداشت. در همین احوال، یکی از دوستان او نسخه‌ای از شاهنامه منثور ابو منصور را به او رساند و فردوسی از آن زمان به نظم شاهنامه همت گماشت. در همین احوال، شاعر ما به واسطه ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی، وزیر سلطان محمود، با محمود رابطه‌ای برقرار نمود و قرار بر آن شد که پس از اتمام نظم شاهنامه آن را به نام محمود و در عوض صلح‌ای دریافت نماید. اما پس از تقاری که بین محمود و ابوالعباس اسفراینی به وجود آمد و به دنبال آن ابوالعباس از وزارت خلع شد، روابط محمود و فردوسی به تیرگی گرایید. این مسأله و هم مسائل دیگر از جمله اختلافاتی مذهبی فردوسی و محمود سبب گردید که محمود از دادن صلح مقرر خودداری و رنج چندین ساله استاد طوس را ضایع کند. درباره سال وفات شاعر طوس نیز اختلاف، بسیار است. ولی به تحقیق، سال وفات او مصادف با ۴۰۹ - ۴۱۰ هـ بوده است.^۱

درباره مذهب فردوسی باید گفت که از دیرباز موضوع مورد بحث پژوهشگران بوده است. از متقدمین، نظامی عروضی در چهار مقاله و همچنین صاحب کتاب *الانقض لبعض فضائح الروافض* به تعلق شدید فردوسی به تشیع اشاره کرده‌اند. عبدالجلیل رازی صاحب کتاب *الانقض* چنین می‌نویسد. «فردوسی طوسی شاعری^۲

۱- برگرفته از: ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (تهران: فردوس، چاپ دوازدهم ۱۳۷۱)، جلد ۱، صص ۴۵۸-۴۷۱.

۲- شاعری: شیعی